

سرمقاله

مراقب استعداد های جوان باشیم



بهمن عبداللهی  
منتقد سینما

اگر بستر سینمای ایران را به یک «کشوتزار وسیع» تشبیه کنیم، مسئولان امر یا نهادهای آموزشی نقش بسیار بسیار مهم در جذب و پرورش نیروهای جوان بر عهده دارند. نمی‌خواهم با به کار بردن عنوان «رسالت» به این وظیفه جنبه‌ای مقدس بدهم، صرفاً اشاره‌ام معطوف به اهمیت رویکرد هر مدیر، هر سازمان یا هر فردی است که نقشی در سیاست‌گذاری و مدیریت یا حتی جذب و آموزش نیروهای جوان دارد. در واقع تک‌تک عزیزان مسئول، مربی یا سینماگری که در دستگاه‌های آموزش سینما حضور دارند، لازم است خود را در قامت باغبانی (که هر تلاشی را صورت‌بندی می‌کند تا «نهال» کاشته شده را در آینده به درختی تنومند و پر بار مبدل کند) ببینند.

خوشبختانه سینمای ایران به لحاظ پرورش علاقه‌مندان سینما زیرساخت‌های خوبی دارد؛ از دانشکده‌ها و آموزشگاه‌ها گرفته تا مدارس سینمایی و نهادهای موازی با دولت. اما به زعم نگارنده، «انجمن سینمای جوانان ایران» مهم‌ترین و بزرگ‌ترین نظام آموزشی سینماست که در نقاط گسترده‌ای از کشور دفتر و مربی دارد. این تشکیلات جدا از «آموزش» به عنوان مأموریت اصلی خود، بودجه و حمایت مالی و تجهیزاتی نسبی از فیلم‌سازان نوجوه را در دستور کار دارد و به طور متوالی امکان رقابت (منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی) برای آن‌ها فراهم می‌کند. با این تفاسیر، وضعیت یاد شده به معنای حضور و فعالیت مستمر ده‌ها یا صدها مسئول و مربی و استاد در آن است.

این‌ها را نوشتیم که تأکید داشته باشیم بر نقش مهم، ظریف و حساس هر کدام از عزیزانی که در این سیستم آموزشی نقشی هرچند کوچک دارند؛ پس هر یک از آن‌ها می‌بایست خود را با اینان یک باغبان دلسوز بدانند. اما این رویکرد چگونه نمایه واقعی پیدا خواهد کرد؟ یقیناً با «نگاه پدران»، «مهر مادرانه» و «مدیریت استادانه». البته می‌دانم که این واژگان یا صفات، تعبیرپذیر و نسبی هستند و ملاک دقیقی برای وزن کردن آن نمی‌توان ارائه کرد. با این حال بر نظر خود مصرم که در میان هزاران علاقه‌مند سینما (که بخش اعظمی از آن‌ها امکان تحصیلات دانشگاهی، حضور در آموزشگاه‌های سینمایی و امثال آنچه ذکر شد ندارند) وارد دفاتر انجمن سینمای جوان شهرستان‌ها می‌شوند، استعداد‌های خوب، افراد توانمند و ذهن‌های پویای زیادی هست که باید جذب، کشف و تربیت کرد.

نگاهی به گذشته فیلم‌سازان معتبری چون امیر نادری، اصغر فرهادی، کیانوش عبیاری و ده‌ها تن دیگر گواهی بر این ادعاست که در هر نقطه از این سرزمین پهناور فیلم‌سازان موفق آینده حضور دارند.

آن‌ها درست مثل گنجی پنهان هستند که باید جوهرشناسان از دل کوه انتظار بیرون بکشند یا چون مجسمه خفته در دل تخته‌سنگی مرمرین با دست‌های هنرمندی چون میکال آنژ به جهان هنر با بگذارند.

برعکس این روال هم امکان بروز دارد، به این معنی که یک مربی یا یک مسئول می‌تواند با کوتاه‌بینی، برخورد نابجا یا هر نگاه غیرکارشناسانه، استعدادی را به ورطه نابودی یا دست‌کم فراموش‌خانه بی‌انگیزگی سوق دهد. این روزها «چهل و دو مین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران» در حال برگزاری است. رویدادی که به دلیل فشردگی در زمان یا کمبود بودجه، تعداد محدودی از آثار را میزبانی می‌کند و بدون شک عدم حضور صدها اثر پذیرفته نشده، به معنای بی‌ارزش بودن آن آثار نیست. در واقع فیلم‌های انتخاب‌شده ترکیبی است از آثار باکیفیت‌تر (برای بالا بردن کیفیت خود جشنواره)، موضوعات مورد نظر (طبق دیدگاه و سیاست‌گذاری هر جشنواره‌ای)، تنوع در ژانر و قصه و ساختار (در جهت هدایت سینماگران جوان به آن سرفصل‌ها)، توجه به اسم‌ها (به رسم همه جشنواره‌ها که در برند کردن کوشا هستند) و البته قدری نگاه سلیقه‌ای هیأت انتخاب (چه بسا هیأتی دیگر این وظیفه را بر عهده داشته باشند تا اندازه محدودی گزینش متغیر خواهد بود).

می‌خواهم با این توصیف‌ها به نقش و اهمیت انتخاب‌کنندگان اشاره کرده و تأکید کنم هر مسئول حتی در جایگاهی خرد و هر عضو هیأت انتخاب یا داوری در جایگاه کلان، مثل آن مربی دفتر شهرستانی در دور دست می‌ماند که باید مراقب نهال و چهره‌های جوانی باشد که به احتمال فراوان به سینماگری بزرگ و افتخارآفرین آینده مبدل خواهد شد.

این نقشی است که هر جشنواره معتبری در سراسر دنیا بر عهده دارد. بیاییم در هر موقعیتی که هستیم، مربی، داور، فیلم‌ساز، پیش‌گسوت، روزنامه‌نگار، منتقد یا حتی یک مخاطب عاشق سینما، مراقب استعداد‌های جوان و توانمند باشیم.

گزارش روزنامه صبا از جشنواره فیلم کوتاه تهران

وزیر فرهنگ در جمع کارگردانان جوان

پگاه زارعی

گزارش

چهل و دو مین جشنواره بین‌المللی فیلم کوتاه تهران در روزهای میانی برگزاری خود، با حضور چهره‌های شناخته‌شده سینما، نشست‌های تخصصی پر بار و استقبال چشم‌گیر مخاطبان، روزهایی پر جنب و جوش را در کاخ جشنواره ایران‌مال پشت سر می‌گذارد. یکی از بخش‌های پرمخاطب این روزها، نشست‌های تخصصی است که به واسطه جمعی از هنرمندان و کارشناسان از جمله پیام آزادی، مه‌ناز رونقی، مسعود مددی، رشید کاکاوند، مستانه مهاجر، شادمهر راستین و منصور ضابطیان برگزار می‌شود به گفت‌وگو درباره وضعیت کنونی سینمای کوتاه پرداخته می‌شود. هم‌زمان با برگزاری این نشست‌ها، باکس فیلم‌های داستانی با استقبال بی‌سابقه تماشاگران روبه‌رو شد؛ به گونه‌ای که دبیرخانه جشنواره ناچار شد دو سانس ویژه اضافه برای نمایش فیلم‌های این بخش در نظر بگیرد. سالن‌ها تا آخرین صندلی پر شدند و بسیاری از تماشاگران ایستاده به تماشای فیلم‌ها نشستند.

حضور مدیران فرهنگی و چهره‌های سینمایی

روز گذشته، جمعی از مدیران فرهنگی کشور از کاخ جشنواره بازدید کردند. در این بازدید حامد جعفری، مدیرعامل بنیاد سینمایی فارابی، حبیب ایل‌بیگی، علیرضا تابش، محمد احسانی، رائد فریدزاده رییس سازمان سینمایی و سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ از بخش‌های مختلف جشنواره دیدن کردند و با دبیر جشنواره و فیلم‌سازان جوان به گفت‌وگو پرداختند. در این میان، سعید نجاتی نیز در جمع اهالی رسانه حاضر شد و آرای مردمی روز را اعلام کرد.

از چین تا ترکیه؛ نگاه جهانی جشنواره

در بخش بین‌المللی، نشست‌هایی با محوریت سینمای معاصر جهان برگزار شد. از جمله نشست «سینمای نوظهور چین» و نشست «جویندگان: جست‌وجویی در باب هویت در سینمای معاصر ترکیه» که با استقبال دانشجویان سینما و پژوهشگران همراه بود. حضور چهره‌هایی چون مازیار هاشمی، مه‌لقا می‌نوش‌زاد، شبنم قربانی، ترگس آیار، اسماعیل محرابی، فاطمه مسعودی‌فر، بیژن میرباقری، مریم سعادت، بهرام عظیمی، سعید



عکس: زهرا سادات میراحمدیان

خانی، سعید الهی، محمدرصول صفری، سیدمحمود رضوی و سیاوش چراغی‌پور نیز در بخش‌های مختلف جشنواره جلوه‌ای از تنوع و گستردگی مخاطبان این رویداد بود.

تماشای فیلم برای همه؛ سینمایی فراگیر

در اقدامی فرهنگی، پنج فیلم از آثار حاضر در جشنواره با توضیح صوتی برای نابینایان در دسترس قرار گرفتند. این آثار شامل فیلم‌های «مو»، «به صدای زمین گوش کن»، «پایان این جهان» و «رادپون» هستند. این بخش با استقبال گرم مخاطبان نابینا و نهادهای فرهنگی همراه شد و گامی مؤثر در جهت دسترس‌پذیری بیشتر جشنواره تلقی می‌شود.

جشنواره‌ای زنده و مردمی

در حاشیه جشنواره نیز، برنامه‌های جنبی گوناگونی از جمله اجرای موسیقی زنده و سازهای ایرانی برگزار شد که حال‌وهوایی صمیمی به فضای کاخ جشنواره بخشید. رسانه‌ها نیز حضور پررنگی در پوشش رویداد دارند. شبکه‌های نسیم، چهار و برنامه «سینما» ویژه برنامه‌هایی از جشنواره پخش کردند تا مخاطبان سراسر کشور بتوانند در جریان لحظه‌به‌لحظه این رویداد فرهنگی قرار گیرند. در مجموع، چهل و دو مین جشنواره فیلم کوتاه تهران این روزها ترکیبی از شور جوانی، نگاه جهانی و همدلی میان اهالی فرهنگ، یکی از پرشورترین دوره‌های خود را تجربه می‌کند؛ جشنواره‌ای که هر روزش روایت تازه‌ای از زندگی، امید و خلاقیت در سینمای کوتاه دارد.

تحلیلی بر فیلم کوتاه «خداحافظ آشغال» ساخته برادران ارک

عبور از تاریکی

عرفان صدیقپیان

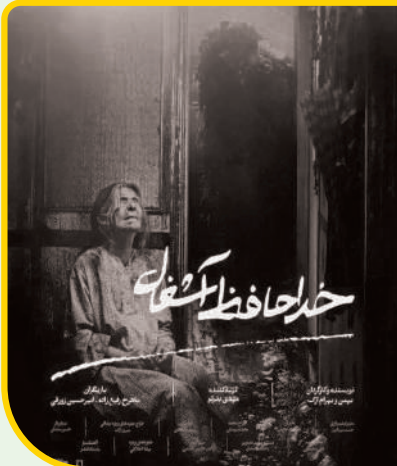
منتقد سینما

سینمای ایران مدت‌هاست که در جنبه قواعد، ساختارها و ژانرهای ثابت و کلیشه‌ای متوقف شده و نوسان‌های مدام اقتصادی و گران شدن فرآیند تولید فیلم، ساخت آثار متفاوت و خارج از بدنه جریان اصلی را بیش از پیش دشوار کرده است.

اگر در دهه‌های گذشته سینمای متفکر ایران به واسطه وجود کارگردان‌هایی از نسل‌های مختلف، از عباس کیارستمی گرفته تا شهرام مکرری، دارای رویکردهای خلاقانه و حاوی پیشنهادهای بیانی و لحنی تازه بود، امروز این روند اگر متوقف نباشد، با کندی بسیاری مواجه شده است. حالا دیگر باید بازی‌های فرمی و ساختارهای تازه را تنها

در سینمای کوتاه جست و جو کرد. مدیومی که توانسته در سال‌های اخیر بیش از سینمای بلند، مرزهای جشنواره‌های مطرح جهانی را درنوردیده و حرف‌های بسیاری برای گفتن داشته باشد. برادران ارک سال‌هاست در سینمای ایران به چهره‌هایی شناخته شده بدل شده‌اند. بهره‌گیری از فضای بومی و قصه‌های کهن منطقه آذربایجان، اتکا به المان‌های ژنریک و استفاده از شیوه‌های تصویری با امضای شخصی باعث شد تا «پوست» نخستین فیلم سینمایی بلند بهمن و بهرام ارک تا حد زیادی از جانب منتقدان و کارشناسان دیده شود و مورد تحسین قرار بگیرد.

پیش‌تر نیز این دو فیلمساز با کارگردانی فیلم کوتاه «حیوان»



توجه بسیاری را برانگیخته بودند، اثری که موضوعیت، سوز و نوع پرداخت روایی آن کاملاً با مدیوم سینمای کوتاه آدپته شده بود و علاوه بر دریافت جایزه‌های جشنواره‌های داخلی توانست در فستیوال‌های بین‌المللی نیز با استقبال مواجه شود و جایزه دوم بخش مهم سینه فونداسیون جشنواره فیلم کن را دریافت کند. «خداحافظ آشغال» تازه‌ترین ساخته برادران ارک و امداد در ادامه «پوست» ساخته پیشین آن‌هاست و نشان از تثبیت نوعی سلیقه روایی و بصری دارد. بنیان و خط اصلی روایی این فیلم بر مبنای شخصیت مرکزی یک زن سالمند شکل گرفته و تنهایی او را در سفری خیال‌انگیز و برآمده از داستان‌های کهن شفاهی، به همزیستی و در نهایت دوستی با موجودی خیالی سوق می‌دهد. علی‌رغم آنکه «خداحافظ آشغال» خط داستانی مشخصی داشته و فیلمنامه نیز به شکلی مهندسی شده و دقیق به نگارش درآمده است، اما به نظر می‌رسد زمینه‌هایی همچون چگونگی پیوند میان پیرزن و شخصیت خیالی به درستی در بافت قصه جانمایی نشده و پروسه نزدیکی آن‌ها به یکدیگر، مدت زمانی بیش از یک فیلم کوتاه را نیازمند است.

ساخته تازه این دو برادر دارای زمینه‌های نمادینی است که چگونگی اتصال آن‌ها با موقعیت داستانی، نیاز به صرف زمانی در حد یک فیلم بلند داستانی دارد و به همین دلیل و با وجود ویژگی‌های پرشمار این اثر، «خداحافظ آشغال» بر خلاف ساخته پیشین برادران ارک در سینمای کوتاه، به لحاظ منطق روایی از ظرفیت‌های همچون لزوم ایجاد در این مدیوم فاصله داشته و به نظر می‌رسد تولید آن در حکم ماکتی برای ساخت نسخه بلند به شمار می‌رود.

عمده شهرت برادران ارک در سینما به واسطه بیان «خلاقانه» آن‌هاست، عاملی که در تمام ساخته‌های آن‌ها به شکلی مؤثر جریان داشته و ذهنیت خاص این دو باعث شده تا تماشاگران عام نیز با این اثر همذات‌پنداری کنند.

با وجود ضعف در شخصیت‌پردازی و کاستی‌هایی در خصوص نوع نزدیک شدن و همذات‌پنداری کاراکترها با یکدیگر، همچنان می‌توان «خداحافظ آشغال» را از فیلم‌های مهم جشنواره چهل و دوم دانست.